

به نام خدا

جامعه شناسی نذر

سیرکشتی نذر در اقیانوس اندیشه

مؤلف :

نسرین عربی

(کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد)

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۳۹۹



گراز این منزل ویران به سوی خانه روم
دگر آن جا که روم عاقل و فرزانه روم

زین سفر گر به سلامت به وطن باز رسم
نذر کردم که هم از راه به میخانه روم

تا بگویم که چه کشف شد از این سیر و سلوک
به در صومعه با بریط و پیمانه روم

آشنایان ره عشق گرم خون بخورند
ناکسم گر به شکایت سوی بیگانه روم

بعد از این دست من وزلف چو زنجیر نگار
چند و چند از پی کام دل دیوانه روم

گر بینم خم ابروی چو محرابش باز
سجده شکر کنم و از پی شکرانه روم

خرم آن دم که چو حافظ به تولای وزیر
سرخوش از میکده
با دوست به کاشانه روم

احساس مسئولیتی که به عنوان یک مسلمان در پیشگاه
خداوند و به عنوان یک پوینده راه علم در برابر هموعان خویش
می کردم، انگیزه ابتدایی خلق این اثر گردید. از آقای دکتر محسن
نوغانی دخت بهمنی و آقای دکتر غلامرضا صدیق اورعی که با
راهنمایی های ارزنده خویش در این مسیر مرا یاری کردند نهایت
سپاس و قدردانی را دارم.

نسرین عربی

فهرست مطالب

شماره صفحه

عناوین

فصل اول

مقدمه

پیشگفتار

پیشینه تحقیقات مربوط به حوزه جامعه شناسی دین

پیشینه پژوهش‌های مربوط به نذر

تعریف نذر از دیدگاه دین اسلام

برخی از احکام فقهی مربوط به نذر

تعریف نذر از دیدگاه جامعه شناختی

تعریف جامعه شناختی نظام

مبانی نظری

رویکرد کارکردگرا-ساختارگرا

رویکرد تفسیری - معناگرایی

رویکرد تضاد

رویکرد فایده‌گرا (مبادله)

فصل دوم : یک نمونه موردی در شهر مشهد : بررسی
جامعه شناختی نذر و موانع مسئولیت پذیری و مشارکت
اجتماعی کنشگران در نذرهای مالی

مرور مفهومی و نظری
چارچوب نظری پژوهش
روش

رویکرد و روش شناسی
روش تحلیل مضمون
مراحل روشی طی شده
ابزار گردآوری داده‌ها
روایی و پایایی
نمونه گیری
تحلیل داده‌ها
یافته‌ها

بحث و نتیجه گیری
منابع

فصل اول



وَالْقَلَمُ وَهَاتِي سِطْرُونَ

مقدمه

بشر از ابتدای تاریخ شناخته شده اش همواره در جستجوی یافتن روش‌هایی در جهت ارتقاء شرایط و وضعیت زندگی خویش بوده، به نحوی که با توجه به امکاناتی که در دسترس قرار داشته‌اند در جهت بدست آوردن بهترین راه‌ها را برای رفع نیازهای مختلف خویش

از طریق تقلید، آزمون خطا، استدلال، دین و... تلاش کرده و در اغلب موارد یک شیوه کارگشا می‌یافته است، و از این طریق آنچه ما امروز با مفاهیمی نظیر فرهنگ، تمدن، توسعه و ... می‌شناسیم به صورت انباشتی پدید آمد. البته هنوز هم این فرآیند را پایانی نیست و این تصور که جوامع کنونی به کمال علمی و عملی، شناخت و آگاهی همه جانبه در جهت داشتن یک زندگی فردی و اجتماعی بی‌نقص رسیده‌اند، ادعایی غیر قابل دفاع می‌باشد. شاهد این مطلب انواع مسائل اجتماعی و فردی مانند اعتیاد، فقر، از خود بیگانگی، شیوع افسردگی و گیر افتادن انسان در قفس آهنی مورد نظر وبر و... است. از سوی دیگر، ساحت‌ها و ابعاد مختلف زندگی انسان، اعم از روحی/ذهنی و جسمی/مادی، کاملاً به هم وابسته و درهم تنیده هستند به نحوی که جدایی و یا بی‌توجهی به هریک از آنها یک عارضه، نوعی بیماری یا ناهنجاری جسمی، روحی، روانی و یا اجتماعی ایجاد می‌کند (همتی، ۱۳۸۰). آبراهام مازلو یکی از نظریه پردازان مشهور در این زمینه است که به این درهم تنیدگی ابعاد

وجودی افراد توجه کرده‌اند. او به وسیله ارائه نظریه « سلسله مراتب نیازها^۱ » استدلال می‌کند، افراد به عنوان عاملان اجتماعی، باید مراحل پلکانی مختلفی را بپیمایند تا قادر باشند به عنوان یک شخص خود واقعیت بخش، به ظرفیت‌های وجودی بالقوه نهفته در خود را فعلیت بخشند، و به کمال و شادی مطلوب دست یابند. به عقیده او نیازهای انسان را می‌توان در پنج طبقه متصور شد، نیاز طبقه آخر خود به سه طبقه تقسیم می‌شود. به این ترتیب هفت طبقه از نیازها را شناسایی کرد که عبارتند از: ۱- نیازهای فیزیولوژیک ۲- نیاز به امنیت ۳- نیاز به تعلق و عشق ۴- نیاز به احترام ۵- نیازهای شناختی و دانستن ۶- نیازهای زیبایی شناختی ۷- نیازهای تحقق خویشتن و خودشکوفائی. این فرآیند مرحله به مرحله و از پایین‌ترین سطح یعنی نیازهای فیزیولوژیک آغاز می‌شود و با گذر از هر مرحله فرد قادر خواهد بود در اندیشه ابقاء نیازهای سطح بعدی باشد. به عقیده مازلو افراد به صورت

عاملانی فعال از طریق تجربه لحظه‌های اوج^۱ که برای هر فرد و در موقعیت‌ها و شرایط متفاوت، به طرق مختلف و به اندازه و شدت‌های متفاوتی اتفاق می‌افتد به خود باوری و در نهایت به خود شکوفائی می‌رسند. شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و یا گروهی، شرکت در فعالیت‌های خلاق و یا لمس و حس طبیعت از جمله مواردی هستند که می‌توانند فرد را در چنین موقعیتی قرار دهند. این لحظات اوج گرچه گذرا هستند اما می‌توانند اثرات نسبتاً پایداری بر افراد باقی بگذارند. نذر یکی از لحظه‌های اوج یافتن کنشگران می‌باشد که علاوه بر ایجاد ارتباط بین نیازهای سطوح پایین با خود شکوفایی، مانند میانبری، کنشگر را قادر خواهد کرد حتی بدون عبور از همه است سطوح به نوعی خود باوری و رشد شناختی دست یابد. از سویی عواملی مانند افزایش جمعیت، مهاجرت‌های بی رویه، شیوع حاشیه نشینی، کودکان کار و... به ویژه در شهرهای بزرگ مانند مشهد، کنشگران را در رفع نیازهای مختلف خویش با معضلات بیشتری روبرو کرده

و در چنین شرایطی احتمال اینکه کنشگران منافع فردی را بر منافع جمعی ترجیح دهند بیشتر می‌شود. به این ترتیب با یک دور باطل مسائل حل نشده و روزافزون روبرو خواهیم شد که در نهایت محیط اجتماعی را با خطر بزرگی روبرو خواهد کرد و در بهترین حالت، توسعه همه جانبه جامعه را با کندی روبرو خواهد نمود (اسمیت، نولن هوکسیما و...، ۱۳۸۸؛ موسی پور سوران، ۱۳۹۳).

پدیده نذر، یکی از مناسک دینی است که از دیرباز وجود داشته و در هر عصری به اشکال و روش‌های گوناگون نمود پیدا کرده است (لطفی قهرمانلو، ۱۳۹۱؛ صادقی، فتحی و شفیع، ۱۳۹۱) و به همراه خود معانی نمادین، نیات و الگوهای عمل خاصی را القاء می‌کند، به قسمی که می‌توان بر اساس آن مهمترین مسائل اجتماعی و شخصی (انگیزه نذر)، سرمایه‌های اجتماعی-اقتصادی ارزشمند (محتوای نذر) را تشخیص داد. همچنین سطح توسعه فرهنگی اعضاء یک جامعه معین را می‌توان بر مبنای اشیاء بخشیده شده، انسان و یا حیواناتی که قربانی می‌شوند و... (گونه یا محتوای نذر) تعیین نمود. از سویی

نیات کنشگران از ادای نذر، گویای اهداف اجتماعی یا فردی، چگونگی برساخت افراد از نذر، اهداف اقتصادی، اهداف فرهنگی و روش برگزاری مراسم نذر توسط آنها را نشان می‌دهد. اهداف اجتماعی، فرهنگی-مذهبی، عاطفی- روانی و اقتصادی گروه‌های هدف، یعنی گروه‌های منتفع از نذورات را نیز می‌توان شناسایی کرد. لذا با بررسی این موارد می‌توان به کارکردهای نذر در جامعه مورد مطالعه و همچنین امکان ایجاد نظام‌هایی با کارکرد گسترده‌تر دست یافت (توکلی راد و کلانتری، ۱۳۹۳؛ لطفی قهرمانلو، ۱۳۹۱؛ همایون سپهر، ۱۳۸۶). نذر، به معنی آنچه که فرد در برابر خداوند، خود را متعهد به انجام دادن آن به عنوان عملی پسندیده و یا انجام ندادن عملی ناپسند از دیدگاه دین یا عرف اجتماعی می‌کند، می‌باشد. از سوی دیگر، به دلیل برخورداری از پاره‌ای خصوصیات کاملاً اجتماعی و اقتصادی، اهمیت زیادی در رابطه با توسعه و رفاه اجتماعی-اقتصادی دارد. به عنوان مثال، نذر می‌تواند دربردارنده صرف سرمایه‌های مالی و پولی باشد، که در میان تمامی اقشار مختلف اجتماعی مشاهده

می‌شود و از سویی میزان ارزش مالی نذر برخلاف برخی مناسک مانند خمس که متناسب با میزان دارایی و توان مالی افراد است، علاوه بر میزان قدرت اقتصادی و طبقه‌کنشگران، به امور اجتماعی دیگری نظیر ارزش‌ها، هنجارهای فرهنگی-اجتماعی، الگوهای عمومی یا محلی نذری دادن، سرمایه‌های اجتماعی کنشگران و اموری از این دست نیز مربوط می‌شود. به قسمی که در هر جامعه معین، ارزش‌ها و فرهنگ اجتماعی مسلط در زمان‌ها و مکان‌های مختلف می‌توانند صورت‌های گوناگونی به منسک نذر ببخشند (لطفی قهرمانلو، ۱۳۹۱).

در شهر مشهد، برخی از نذورات از ارزش بالایی برخوردار هستند مثل نذر کردن غذای کبوتران و یا وجه نقد، فرش، طلا و... برای حرم امام رضا(ع) و یا شله دادن به عنوان غذای نذری محبوب مشهدی‌ها و یا نذر اطعام زائران امام رضا در برخی از مناسبت‌های خاص مثل شهادت امام هشتم(ع) و یا اطعام و پذیرایی از زائران و هیئت‌های مراسم عذاداری آقا امام حسین(ع) در طی مسیر رسیدن این زائران به حرم مطهر رضوی. برخی از نذرها نیز

مانند سایر نقاط کشور انجام می‌شوند و دارای الگویی عمومی هستند مانند نذر برخی خوراکی‌ها مثل شربت، چای، قیমে، عدس پلو برای ایام سوگواری امام حسین (ع) در ماه محرم. همچنین وجود برخی مراکز و یا نهادهای در اماکن مختلف، الگوهای معینی از نذر کردن را پیشنهاد می‌کند، به عنوان مثال وجود شیرخوارگاه علی اصغر (ع) در بلوار نمایشگاه مشهد و مراکزی از این دست، باعث ایجاد روش‌هایی برای نذر کردن مشهدی‌ها می‌شود که معمولاً این روش برای هر شهر منحصر به ساکنین همان شهر شده و الگویی محلی را ایجاد می‌کند. لذا با توجه به این تنوع در الگوهای نذری و وابستگی نذر به شرایط مکانی، زمانی و فرهنگی می‌توان پی برد که پدیده نذر علاوه بر فرهنگ دینی در فرهنگ غیر دینی ایرانیان نیز ریشه دارد (بهار، ۱۳۸۳). در مصاحبه با برخی از شاهدان عینی، در گذشته نذر شمع برای حرم امام رضا (ع) بسیار رایج بوده اما این نوع نذر کردن به مرور زمان و با ظهور امکاناتی نظیر برق و یا استفاده از لوستر، کارکرد خود را از دست داد و به همین دلیل این الگو از میان رفت.

از سوی دیگر استفاده از نذر نیز در باورها و ارزش‌های مذهبی ایرانیان از جمله مردم مشهد، دارای ارزش معنوی بوده و معتقد هستند که به نوعی در پالایش روحی آنها و حتی در برآورده شدن حاجات مؤثر است. به همین علت ممکن است حتی در صورتی که نیاز و تمایلی به استفاده از آنچه به صورت نذری پخش می‌شود نداشته باشند، بازهم برای برخورداری از منافع نیروهای مقدس آن، برای بدست آوردن نذری تلاش کنند.

لذا از دید جامعه‌شناختی، می‌توان نذر را نوعی دریافت آنچه هومنز پاداش‌های نخستین می‌نامد و یا صورتی از مبادله نمادین بین این دنیا با نیروهای ماورائی و جهان مینوی دانست که مؤمنین در ازاء باورها و اعتقادات خود و عمل به مناسک برخواسته از این باورها و یا توسل به مقدسات آنرا مطالبه می‌کنند. به این ترتیب، نذر کردن بسان پلی است که ناذر را از این دنیا به عالم ماوراء متصل کرده و خیر و برکات موجود در آن را (مانند رحمت خداوند)، متوجه او می‌نماید.

از دیگر کارکردهای نذر این است که، نذر کردن وسیله ای برای کسب اعتبار و منزلت اجتماعی، تمایز و تشخیص دینی می شود. به عبارتی فرد نذر کننده در نظر مردم، شخصی متدین، بخشنده و قابل اعتماد و... می گردد و بسته به نوع نذری طبقه اجتماعی، قدرت اقتصادی و منزلت اجتماعی به نمایش گذاشته می شود (فتحی صادقی و شفیعی، ۱۳۹۱).

در جوامع مذهبی مانند ایرانیان، کسب این گونه اعتبارها و منزلت های اجتماعی از اهمیت اجتماعی بالایی برخوردار است زیرا قادر است در بازتولید ارزش های دینی و اجتماعی مؤثر باشند، دورکیم این فرآیند را صورتی از بازیابی انرژی جمعی، قدرت و تجدید حیات می داند (۱۳۸۳: ۵۷۰). به همین ترتیب در صورتی که در طول زمان از شخص نادر چهره ای خطاکار، فریبکار، کلاهبردار و به طور کلی ناهنجاری هایی از این دست، نمایان شود، این امر می تواند جریانی معکوس را پدید آورد و در خدشه دار کردن باورهای مذهبی و از بین رفتن سرمایه های فرهنگی و اجتماعی مانند اعتماد اجتماعی، مؤثر باشد.

همچنین بازیابی انرژی، قدرت و تجدید حیات اجتماعی نهفته در منسک نذر وسیله ای برای تمایز و جداسازی بر اساس متغیر جنسیت می باشد که به همراه خود نوعی احساس رضایت، افتخار، استقلال، مشارکت اجتماعی و قدرت برای جنسیت های مختلف به ارمغان می آورد. به عبارتی برخی از انواع نذری در نقاط مختلف ایران مانند مشهد میان زنان و مردان متفاوت هستند، به عنوان مثال انواع سفره های نذری و روضه خوانی ها، پخش آجیل مشکل گشا و شکلات و شیرینی، پخت و توزیع خوراکی های نذری مانند شله زرد و آش رشته و... اغلب مربوط به زنان است. در صورتی که قربانی کردن گوسفند، ساخت، خرید و حمل وسایل عذاداری مانند علامت، شله پزی، ساخت مسجد و... بیشتر مربوط به مردان است. (توسلی، ۱۳۷۰؛ فکوهی، ۱۳۸۳؛ همایون سپهر، ۱۳۸۷؛ بهار، ۱۳۸۳).

بر اساس آنچه تا کنون ذکر شد، می توان انتظار داشت با پیشرفت علم و عقلانیت، کلیه موارد یاد شده در مورد نذر در جامعه کنونی ایران، به نحوی جهت گیری شوند که در

راستای اهداف مهم اجتماعی - اقتصادی و توسعه ای ایران
قرار بگیرند .

یعنی پدیده نذر، علاوه بر انجام کارکردهای دینی و
روحی- روانی ، به عنوان روشی جهت دستیابی به اهداف
اجتماعی-اقتصادی در نظر گرفته شود. به این ترتیب
با افزایش کارکردهای نذر روبرو خواهیم بود که نتایج
مطلوبی را می تواند به همراه داشته باشد. از مهمترین آنها
افزایش گسترده همبستگی اجتماعی از طریق حل برخی
از مسائل اجتماعی از جمله دست یابی به سیستم های
حمایتی نذری مؤثر در کاهش بی عدالتی و فقر، ایجاد
اشتغال، حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بد
سرپرست و... در سایه این همبستگی است.

پیشگفتار

اکنون در دوران گذاری به سر می‌بریم که کشورمان ایران را، با مسائل اجتماعی-اقتصادی فراوانی مانند فقر و بیکاری روبرو کرده است.

از سویی، جذب سرمایه‌ها و جهت‌دهی و مدیریت آنها، از مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه است. نیاز مبرم به سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و... کاملاً محسوس است. کمبود میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی، اهمیت جذب همه سرمایه‌های ممکن داخلی، برای سرمایه‌گذاری بر اساس چشم‌اندازهای توسعه را بیشتر کرده است. در نتیجه، حجم بالای منابع اقتصادی، که در مراسم مختلف نذری به کارگرفته می‌شود، قابل چشم‌پوشی نیست (لطفی قهرمان لو، ۱۳۹۱: ۵؛ صادقی، فتحی، شفیعی، ۱۳۹۱: ۲۱).

بررسی، شناخت و جهت‌دهی به اموری از جمله نذر، که ریشه در فرهنگ و باورهای دینی دارند، می‌تواند در

نحوه سیاست گذاری در جهت توسعه پایدار، از طریق جلب مشارکت‌های مردمی، که در برنامه‌های توسعه، هم هدف و هم وسیله است (از کیا، ایمانی، ۱۳۸۷: ۷۲؛ لطفی قهرمان لو، ۱۳۹۱: ۴، ۳)، باعث ایجاد بستری مناسب برای حل برخی از مسائل، باشد.

شهر مشهد که به برکت وجود امام رضا(ع)، و دیگر جاذبه‌های تاریخی، طبیعی و حتی بازارهای عظیمی که از تنوع کالای برخوردارند، همواره پذیرای جمعیت نسبتاً بالایی از زائرین و مسافران است، این جمعیت اعم از ساکنان یا مسافران، دارای ارزش‌ها و باورهای مشترک اعتقادی هستند که می‌تواند فارغ از وابستگی‌های مکانی و قومی، میان آنها گونه‌هایی از همبستگی اخلاقی-مذهبی را مشاهده کرد. این به معنی وجود ظرفیتی غیرقابل چشم پوشی در جهت ایجاد همگرایی در سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. به بیان دیگر چنانچه ارزش‌های موجود در نذر کردن از حالت فردی، به سمت ایجاد الگوهای جمعی شناخته شده برای عموم حرکت کنند، افزایش کارکردی نذرهای

مالی را خواهیم داشت. به این طریق می‌توان از منابع پراکنده، به منابع انباشتی دست یافت که در خدمت امور عام‌المنفعه به رفع مسائل مختلف کمک کنند. این ایده دقیقاً مانند استفاده بانک‌ها از سرمایه‌های خرد و پراکنده است، به قسمی که با ایجاد حساب‌های بانکی مانند قرض الحسنه و یا سپرده، سرمایه‌های خرد به صورت انباشتی به سرمایه‌های عظیمی تبدیل شده و بانک‌ها به وسیله آن پروژه‌های بزرگ عمرانی را به انجام می‌رسانند، مثلاً بانک ملی^۱ در احداث بیش از ۵۷۹ کیلومتر آزاد راه سهیم است که آزاد راه‌های قزوین - زنجان و مشهد - باغچه، زنجان - تبریز و کنارگذر شمالی مشهد از جمله آنهاست.

از سوی دیگر، برای دست یابی به توسعه پایدار درون‌زا در هر جامعه، باید در مورد کلیه ابعاد مرتبط با توسعه، شناخت کافی کسب کرد. این جز با رصد مداوم و بازنگری در امور مختلف حاصل نمی‌شود. یکی از این ابعاد، دین و زندگی دینی افراد جامعه می‌باشد که با ارزش‌ها و باورهایی معین، منتهی به شیوه‌های خاصی از کنش

و تعامل در تمامی ابعاد زندگی و ترجیحات کنشگران می‌گردد.

دین اسلام به عنوان کاملترین دین الهی، نگاهی ویژه به باورها و اعمال، در زمینه‌هایی چون عدالت، مشارکت اجتماعی، توسعه و... دارد و برای دست یابی به این اهداف، الگوها و برنامه‌هایی را به صورت واجبات یا مستحبات ارائه می‌دهد که خمس، زکات، وقف و نذر از جمله آنهاست. در حقیقت نذرهای اقتصادی که در آنها یا به صورت غیر مستقیم منابع ارزشمند مختلف مانند غذا و یا مدرسه سازی، با صرف هزینه‌ای در اختیار برخی از افراد قرار می‌گیرد و یا بخشیدن مستقیم پول به نیازمندان انجام می‌شود، یکی از راهبردهای توزیع ثروت و رفع فقر در جوامع اسلامی است (صادقی، فتحی، شفیعی، ۱۳۹۱: ۶؛ لطفی قهرمانلو، ۱۳۹۱: ۴). از سوی دیگر نذر، در میان تمامی اقشار مختلف اجتماعی مشاهده می‌شود و میزان ارزش مالی آن، برخلاف برخی مناسک مانند خمس که تنها متناسب با میزان دارایی و توان مالی افراد است، علاوه بر میزان قدرت اقتصادی و طبقه کنشگران، به امور اجتماعی دیگری

نیازهای روز جامعه، کارا خواهد بود(صادقی، فتحی، شفیع‌ی، ۱۳۹۱: ۱۴؛ بهار، ۱۳۸۳: ۱۲۸؛ گنجی و هلالی ستوده، ۱۳۹۰: ۹۵).

یکی از موانع توسعه ایران، مربوط به بی‌اطلاعی از ارتباط بین مناسک دینی، که بخش عظیمی از سرمایه فرهنگی^۱ جامعه ما را تشکیل می‌دهد، با توسعه می‌باشد. این یکی از مهمترین دلایل توجّه پژوهشگران معاصر حوزه‌های مختلف، از جمله جامعه‌شناسان، به نقش فرهنگِ دینی و مناسکی مانند نذر در توسعه

کتابت	ود	گلد	۱
به	زد	تظ	
ی	صظ	تظ	
ن	ی	شوقا	ک
	کظ	کظ	
کظ	کظ	کظ	
کظ		ی	ی
		ی	ی
لد؛		ی	
(ود	ی	

می‌باشد(رسولی،۱۳۸۷؛ نوابخش و ثابتی، ۱۳۹۴).

از سوی دیگر با ظرفیت‌هایی در نذر روبرو هستیم که به دلیل برخورداری از تعاملاتی بر مبنای هنجارها و باورهای مشترک، توان ایجاد هم‌کنشی‌های بیشتر و در نتیجه ایجاد سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی و کنش‌های مشارکتی بیشتری را دارند. از این طریق می‌توان سایر سرمایه‌های لازم جهت توسعه، مانند سرمایه‌های اقتصادی و... را نیز افزایش داد. روشهای متداول نذری، مثل توزیع غذا اگرچه کارکرد مثبت خاص خود را دارند، اما به علت فقدان برنامه ریزی جمعی پایدار و پراکنده بودن کنش‌ها، کافی به نظر نمی‌رسند(جاودانی،۱۳۹۲؛ کتابی، گنجی، احمدی و معصومی، ۱۳۸۳).

اکنون در شرایطی به سر می‌بریم که کشور عزیزمان، در زمینه علم و دانش، ارزش یافتن عقلانیت و افزایش آگاهی عمومی پیشرفت داشته است. دانشمندان، متفکرین و پژوهشگران از حمایت‌هایی در جهت نیل به توسعه

پایدار برخوردارند.

با این وجود، تا کنون پژوهش‌های انگشت شماری در این زمینه صورت گرفته و می‌توان گفت که اکثر مناسک دینی از جمله پدیدهٔ نذر، از این دیدگاه مورد توجه شایقی قرار نگرفته‌اند. لذا رسالت علمی دانشگاه و مخصوصاً جامعه‌شناسی در ایجاد آگاهی بیشتر در اذهان عمومی در چنین مواردی، نادیده گرفته شده است. این مسئله باعث شده که در روند تغییرات کنونی جامعه، کارآیی روش‌هایی مانند نذر که دین اسلام برای مبارزه با فقر و ایجاد رفاه عمومی در نظر گرفته است، به طور معناداری محدود شوند.

پیشینهٔ تحقیقات مربوط به حوزهٔ جامعه‌شناسی دین

همانطور که قبلاً ذکر شد، تمامی ابعاد زندگی بشر با هم ارتباطی تنگاتنگ دارند و از همین رو، تمامی امور و مسائل مختلف زندگانی او به طریقی، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، به یکدیگر مربوط می‌شوند. دانشمندان و

اندیشمندان علوم مختلف نیز در روند تکاملی دانش به این وابستگی متقابل علوم مختلف اذعان دارند، اما به دلایلی نظیر گستردگی دامنه علوم، ایجاد نظم لازم برای علم و همچنین سهولت آموختن و... آنها را طبقه بندی کرده‌اند.

اساس این طبقه بندی، منطق ارسطویی کلاسیک است که به تفاوت علوم و حوزه‌های مختلف در موضوع مورد بررسی، هدف و غایت و در نهایت تفاوت در روش یا روش‌های مورد استفاده هر یک از آنها اشاره می‌کند (ثقفی، ۱۳۸۴: ۴۱).

دین نیز به عنوان حوزه بسیار مهمی از فرهنگ در هر جامعه، از این قاعده مستثنا نیست. امروزه تقریباً آراء و نظریات متفکرین کلاسیک مانند مارکس^۱، شلایر ماخر^۲ و تیلور^۳ که محکوم به اندیشه تک بعدی هستند، و دین را افیون توده‌ها و یا پدیده ای فردی و شخصی می‌دانستند،

1. Marx

2. Scheleiermacher

3. Taylor

در میان نظریه پردازان و متفکرین متأخر و معاصر مانند نینیان اسمارت^۱ و کلیفورد گیرتز^۲ و ... مشروعیت خود را از دست داده‌اند و اکثر آنها به تعاریف و نظریات چند بعدی و ترکیبی تمایل دارند. در این میان در باب تعامل بسزایی که بین دین و اجتماع وجود دارد اتفاق نظر کلی وجود دارد اما بنا بر تقسیم‌های صورت گرفته و حد و مرز هر شاخه و گرایش علمی، پژوهش‌ها و تحقیقات در محدوده مشخص و یا به صورت بین رشته‌ای و ترکیبی انجام می‌شوند.

به طور کلی، در بررسی پیشینه پژوهش‌های دین شناسانه یا مذهبی و تحقیقات انجام گرفته در این حوزه ها، می‌توان به مراکز کانونی ای دست یافت که هر یک از آنها، تمرکز گروهی از پژوهشگران را به خود معطوف داشته‌اند.

الف- تحقیقاتی که موضوع بنیانی آنها بررسی منشأ

1. Ninian Smart

2. Clifford Geertz

دین و یا حقیقت و ماهیت آن، قلمرو دین، آموزه‌های دین و اهداف آن است. فلاسفه، فقها و عالمان دینی، کلامیون و برخی از مردم شناسان در این حوزه فعالیت دارند. در این پژوهش این دسته از تحقیقات در نظر گرفته نشده‌اند زیرا مربوط به حوزه‌های دیگر هستند و با هدف جامعه شناسی همخوانی نداشتند.

ب- تحقیقاتی که به بررسی جامعه شناسی دینی و جامعه شناسی دین و تمایزهای موجود بین آنها پرداخته‌اند. اکثر این تحقیقات از روش شناختی و روش‌های کیفی استفاده کرده‌اند. از برخی از آنها نیز در قسمتهایی از این پژوهش بهره گرفته شده است.

در این پژوهش‌ها از یک سو به رابطه بین دین، دین شناسی و جامعه شناسی پرداخته می‌شود و سیر تاریخی رشد آنها در کنار هم، که باعث ایجاد مجموعه‌ای نظریات و ضوابط کلی شده است بررسی می‌شود. از سوی دیگر به کشمکش‌ها و تعارض‌هایی که در این روند تاریخی بین دین شناسان و جامعه شناسان وجود داشته می‌پردازند (جان

دی بروور، ۲۰۰۷: ۸، ۹). همچنین به تفاوت میان جامعه شناسی دین و جامعه شناسی دینی پرداخته می شود و در مجموع بیان می گردد که، موضوع مورد بررسی در هر دو آنها یکی است یعنی هر دو، به بررسی تأثیر دین بر ارزش ها، هنجارها، کنش های اجتماعی، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... و اثر متقابل کنشگران اجتماعی بر آنها می پردازند، اما نقطه آغاز پژوهش در جامعه شناسی دین، پارادایم های علم تجربی است که از هرگونه شناخت و ارزش خارج از علم تجربی برکنار است. به عبارتی، اصول موضوعه یا بدیهی در جامعه شناسی دین، اصول و قوانین علمی روش شناختی و روش های علمی می باشد و رابطه متقابل دین و جامعه را مانند مشاهده گری غیر خودی مطالعه می کنند، مانند مطالعه اقوام ابتدایی توسط دورکیم و مالینوفسکی، در این تحقیقات جامعه شناس یا مردم شناس بیشتر بر روی جامعه و یا دین تمرکز دارند و اصالت را در بررسی پدیده های اجتماعی به یکی از آنها می دهند. اما در جامعه شناسی دینی، دیدگاه و اصول موضوعه پژوهشگر، اصول بنیانی دین است و سپس با

توجه به موضوع مورد مطالعه خویش، اصول بنیانی روش شناختی و علمی را مدّ نظر قرار می دهد، یعنی به عنوان یک پژوهشگر خودی که درک و تجربه ای ملموس از دین دارد به مطالعه پدیده های اجتماعی دینی می پردازد و در این میان هم به اصول بنیادی دین، که برگرفته از منبعی الهی مانند کتاب آسمانی است، و هم به جامعه و پدیده های اجتماعی دینی، همزمان توجه دارد. لذا بررسی آنها امکان فراتر رفتن از حدّ توصیف و تبیین را دارد، به عبارتی قادر خواهند بود با توجه به اصول بنیانی، علت یا دلایل ناهنجاری ها یا انحرافات را به روش های تفهّمی و تفسیری، تشخیص داده و راه حل ها یا جایگزین های مناسبی را نیز پیدا کنند. همچنین، در جامعه شناسی دین، دین به عنوان امری ممکن مورد بررسی قرار می گیرد که در جوامع آثار و یا کارکردهایی دارد، اما جامعه شناسی دینی، دین را امری ضروری و بی بدیل برای جامعه می دانند (همیلتون، ۱۳۸۷؛ تنهایی، ۱۳۷۳؛ توسلی، ۱۳۸۰؛ محدثی، ۱۳۸۸؛ ثقفی، ۱۳۸۴؛ جان دی بروور، ۲۰۰۷؛ تواندشتی، ۱۳۸۸). از این منظر، این پژوهش نیز در حوزه